

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



یک جله تماس تلفنی رایگان

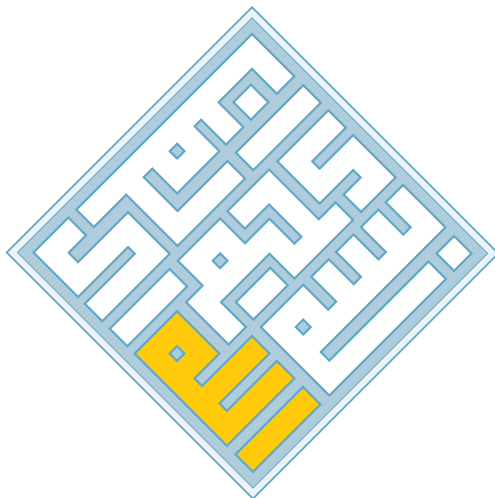
با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰





■ مبلغی که امروز بابت خرید این کتاب می پردازید،

در مقابل هزینه هایی که در آینده بابت

نخواندن آن پرداخت خواهید کرد،

بسیار ناچیز است ...



توربوجت

واژگان و املاي

فارسي يازدهم



سرشناسه: رحيمي پور، نواب

عنوان: توربوجت واژگان و املاي فارسي يازدهم

مشخصات نشر: تهران،

شرکت انتشارات کلاغ سپيد، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهري: ۱۶۸ ص، مصور (رنگي)

فروست: مجموعه کتاب‌های توربوجت

شابک: ۵-۱۴-۶۱۷۴-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول

قيمت: ۱۹۰۰۰ تومان

وضعيت فهرست‌نویسی: فيبای مختصر

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۰۰۴۷۵

کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات گاج محفوظ است. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و جزوه ندارد و متخلفین به موجب ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۷/۱۱/۱۱ تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

با توجه به ثبت طرح و نام کتاب‌های **دوگزینهای** توسط

انتشارات کلاغ سپيد، هرگونه استفاده از این عنوان و این ایده برای تمام اشخاص حقیقی و حقوقی پیگرد قانونی دارد.

■ ناشر: شرکت انتشارات کلاغ سپيد

■ رئيس هیأت مدیره: مهندس ابوالفضل جوکار

■ معاونت علمی: مهندس محمد جوکار

■ مدیران تألیف: مهندس محمد صحت‌کار، مهندس علی منصف‌شکری

■ عنوان کتاب: توربوجت واژگان و املاي فارسي يازدهم

■ مؤلف: نواب رحيمي پور

■ ویراستاران فنی و علمی: حورانیک بخت، کبری مهدی‌خانی، فرحناز عباسی

■ مدیر کنترل پروژه: منصوره مردانی سرور

■ امور اجرایی: محمدرضا الیکائی

■ سرپرست واحد فنی: سامان شاهین پور

■ طرح جلد: منصور سماواتی

■ گرافیکست: آزاده نوریان

■ صفحه‌آرا: سارا نوری‌اینانلو

■ سرپرست گروه گرافیک: اسماعیل شریف‌کاظمی

■ چاپ و صحافی: گاج

■ مدیر چاپ: علی مزرتی

■ نوبت چاپ: اول (۱۳۹۷)

■ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

■ قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

■ تلفن: ۶۴۲۰ - ۲۱

■ صندوق پستی: ۳۷۷ - ۱۳۱۴۵

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، بین چهارراه ولیعصر (عج)

و فلسطین، شماره ۹۱۹

مقدمه مدیر تألیف

این کتاب محصولی از مجموعه کتاب‌های **تربوجت** است؛ کتابی متفاوت در محتوا، ساختار و فرم. محصولی که حاصل سال‌ها تجربه مدیران و مؤلفان انتشارات کلاغ سپید و ساعت‌ها تفکر و برنامه‌ریزی در اتاق فکر این مجموعه است. کتاب‌هایی با هدف یادگیری سریع و لذت‌بخش برای نسلی که قدر لحظه‌ها را می‌داند.

در این کتاب شما با تعداد قابل توجهی تست دوگزینه‌ای در قالب کوپیزهای یک صفحه‌ای روبه‌رو می‌شوید و شاید در ابتدا گمان کنید که با یک بانک تست اما با تعداد گزینه‌های کمتر مواجه‌اید. اما داستان این نیست! این تست‌ها برای سنجیدن شما طراحی نشده‌اند. هدف این چالش‌های دوگزینه‌ای، **آموزش دقیق، عمیق و جزء به جزء تمام مفاهیم** به عنوان قدم اول برای حل سؤالات تشریحی و تستی است و به گمان ما، تا تمام نکات نهفته در تست‌های این کتاب را فرانگرفته‌اید به هیچ عنوان نباید به سراغ سؤالات تشریحی و چهارگزینه‌ای بروید.

شما در این کتاب، در هر سؤال با یک چالش کوچک برای یافتن پاسخ درست مواجه می‌شوید. در برخی از موارد ممکن است شما پاسخ درست را دقیق و بدون تردید بلد باشید اما در موارد دیگر این یقین وجود نداشته باشد. در این مواقع **نیاز به کتاب یا جزوه‌ای دیگر نیست**. شما می‌توانید بلافاصله به مجموعه کلیدهای همان کوپیز که در پایین صفحه آورده شده است، مراجعه کنید و پاسخ درست را یاد بگیرید.

این تکنیک مطالعه و یادگیری همراه با تکرار و مرور تست‌ها در بازه‌های زمانی مختلف، بخش‌هایی از ضمیر ناخودآگاه و قسمت‌های غیرفعال مغز و حافظه شما را فعال می‌کند. در این روش حافظه شما به صورت ناخودآگاه وارد یک بازی بُرد و باخت می‌شود و در نهمان برای پیروزی در یک مسابقه ساده، سریع و هیجان‌انگیز تلاش می‌کند. این تلاش و چالش لذت‌بخش در قالب این دوئل‌های کوچک، به قدری ساده و آرام پیش می‌رود که بدون آن‌که خودتان بفهمید، ده‌ها بازی دوئل‌گونه را بدون خستگی و ملالت پشت سر می‌گذارید و در این مسیر هموار و بدون دست‌انداز، به موفقیت‌های بسیار زیادی دست می‌یابید. مسیری هموار و بدون پیچ و خم که برای اولین بار تجربه‌ای واقعاً متفاوت از درس خواندن و یادگیری را برای شما امکان‌پذیر می‌کند. **تجربه‌ای مدرن از درس خواندن و مسیری میانبر برای جلو زدن از همه!**

مقدمه مؤلف



ساعت حدودی ده، ده و نیم روز ۲۵ اسفند ۱۳۹۴ بود که استوار سبزخدا به دفتر آمد. استوار سبزخدا با اخم همیشگی اش گفت: «تو مگه سرباز سرهنگ نیستی اینجا چیکار می کنی؟» گفتم: «نه سرکار! من سرباز این قسمتم؛ نامه ها رو می نویسم و ویرایش می کنم و کارای اینجوری.» گفتم: «خب حالا! من میخوام از این گردان برم گردان ۷۹۹، خودت یه نامه برام بنویس و بده به سرهنگ.» گفتم: «چشم». استوار سبزخدا رفت. آن روز سرهنگ در صبحگاه گفته بود: «برید زبان های خارجی یاد بگیرید. این پسر بزرگ ما ماشاءالله سال دیگه تافلش رو هم می گیره. اصلاً آگه ما بدوینم کسی از سربازامون زبان خارجی بلده، یک هفته مرخصی بهش میدیم.» باید

نامه ای استوار سبزخدا رو می نوشتم. نامه از طرف سرهنگ بود به فرمانده پادگان و موضوعش، انتقال استوار سبزخدا به گردان ۷۹۹. یاد سخنرانی صبح سرهنگ افتادم و با خودم گفتم الان وقتش است که یک هفته مرخصی کاسب شوم. در قسمت موضوع نوشتم: ترانسفر استوار گرین گاد ... الخ. نامه را حاضر کردم و برودم که سرهنگ امضا کند. سرباز سرهنگ گفت: «جناب سرهنگ رفته، نامه رو بده خودم فیردا تحویل ایشون میدم.» برگشتم به دفتر و کم کم راهی آسایشگاه شدم.

روز بعد سرهنگ بازم هر چند جمله ای از اهمیت یادگیری زبان خارجی حرف زد و باز هم وعده مرخصی یک هفته ای را داد. منتظر بودم صبحگاه تمام شود و سرهنگ نامه پر از واژه های خارجی را ببیند و من به مرخصی یک هفته ای ام بروم. بعد از صبحگاه به دو رفته و مشغول کار شدم و مدام از یک هفته مرخصی ام تصویرها می ساختم. چند ساعتی با شوق و رغبت کار می کردم و انتظار دلپسندی را از سر می گذارندم. ساعت حدودی ۱۱ بود که سرباز سرهنگ آمد و گفت: «سرباز بیا! جناب سرهنگ کار مهمی باهات داره. بدو سریع بیا.» رفته داخل اتاق سرهنگ؛ احترام نظامی گذاشتم و نزدیک میزش ایستادم. سرهنگ گفت: «این چه نامه ایه که نوشتی سرباز؟! حتی یک کلمه اش رو هم نفهمیدم.» گفتم: «جناب سرهنگ واژه های خارجی آوردم تو نامه. آخه دیروز خودتون از خوبیای بلد بودن زبان خارجی حرف زدید.» نگاهی کرد و گفت: «خب این ترانسفر که نوشتی معنیش چیه؟» گفتم: «ترانسفر یعنی انتقال جناب سرهنگ» گفتم: «مرد حسابی مگه واژه انتقال چه مشکلی داره؟؟؟» گفتم: «راستش واژه ترانسفر واژه قشنگ تریه و اینکه انتقال کلمه عربی است و در واقع برای ترانسفر، پرژن ورد نداریم.» سرهنگ نامه را بالا آورد و گفت: «پرژن ورد دیگه چه صیغه ایه؟» گفتم: «پرژن ورد یعنی واژه فارسی...» سرهنگ گفت: «سرباز! به خاطر یه هفته مرخصی، حالا دیگه فارسی واژه فارسی نداره؟؟؟؟؟» سرم را انداختم پایین و دیگر چیزی نگفتم. سرهنگ یک بار دیگر نگاهی به نامه انداخت و گفت: «این گرین گاد دیگه چیه؟ اسم غذاست؟» گفتم: «نه جناب سرهنگ، سبزخدا به خارجی می شود گرین گاد. گرین یعنی سبز و گاد یعنی خدا» سرهنگ این بار گردش را جلو کشید و صدایش را بالا برد: «سرباز!!! هیچ فکر نکردی آگه فرمانده پادگان این دری وری ها رو ببینه چی میگه به من؟؟؟؟؟» و من باز هم سکوت کردم و بغضی را که از آغاز گفت و گو با سرهنگ در گلویم جمع شده بود، فوراً دادم. سرهنگ این بار از پشت میزش بلند شد و آمد به سمتم و بخشی از نامه را خواند: «انتظار می رود شما این ریکوئست را اگسپت کنید. سرباز خودت می فهمی چی نوشتی؟؟؟؟؟؟؟» گفتم «ججججناب سرهنگ ری ری ریکوئست یعنی درخواست؛ آآآآآآسپت یعنی قبول کردن و موافقت کردن» اینها را که گفتم مچ دستم را پیچاند و فریاد زد: «بدو! بدو یه هفته اضافه خدمت واسه خودت بنویس، بیاار! همین الان امضا کنم. خیر سرمون سربازمون لیسانس داره.» و بعد با لگدی سرهنگانه از اتاق بیرونم انداخت.

خلاصه به جای یک هفته مرخصی، یک هفته اضافه خدمت خوردم و از آن روز عهد کردم هیچ واژه خارجی را حتی نوی گفتمارم به کار نبرم.

تیم تألیف
و ویراستاری
کتاب‌های
ادبیات فارسی
توربوجت



کارشناس مهندسی مکانیک
نواب رحیمی پور
N. Rahimpour



دکترای زبان و ادبیات فارسی
حورا نیک بخت
H. Nikbakht



کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
کبری مهدی خانی
K. Mehdikhani



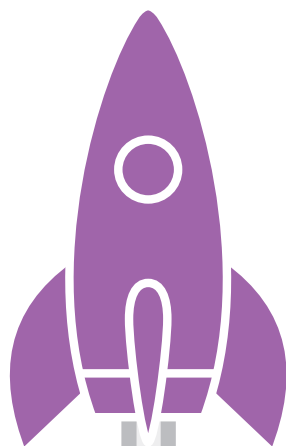
کارشناس زبان و ادبیات فارسی
فرحناز عباسی
F. Abbasi



فهرست

| | | |
|------------------|--|-----------------------------|
| فصل اول | | ادبیات تعلیمی |
| ۸ | درس یکم: نیکی | Quiz 001-010 |
| ۱۸ | درس دوم: قاضی بُست | Quiz 011-027 |
| فصل دوم | | ادبیات سفر و زندگی |
| ۳۶ | درس سوم: در کوی عاشقان | Quiz 028-035 |
| ۴۴ | درس پنجم: ذوق لطیف | Quiz 036-049 |
| فصل سوم | | ادبیات غنایی |
| ۶۰ | درس ششم: پروردهٔ عشق | Quiz 050-054 |
| ۶۵ | درس هفتم: باران محبت | Quiz 055-065 |
| فصل چهارم | | ادبیات پایداری |
| ۷۸ | درس هشتم: در امواج سند | Quiz 066-069 |
| ۸۲ | درس نهم: آغازگری تنها | Quiz 070-081 |
| فصل پنجم | | ادبیات انقلاب اسلامی |
| ۹۶ | درس دهم: رباعی‌های امروز | Quiz 082-085 |
| ۱۰۰ | درس یازدهم: باران عاشق | Quiz 086-088 |
| فصل ششم | | ادبیات حماسی |
| ۱۰۴ | درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه | Quiz 089-099 |
| ۱۱۵ | درس چهاردهم: حملهٔ حیدری | Quiz 100-105 |
| فصل هفتم | | ادبیات داستانی |
| ۱۲۲ | درس پانزدهم: کبوتر طوق دار | Quiz 106-117 |
| ۱۳۴ | درس شانزدهم: قصهٔ عینکم | Quiz 118-128 |
| فصل هشتم | | ادبیات جهان |
| ۱۴۶ | درس هفدهم: خاموشی دریا / درس هجدهم: خوان عدل | Quiz 129-133 |
| پیوست‌ها | | |
| ۱۵۲ | مهمات املائی | |
| ۱۵۹ | هم‌آوایان و متشابهان | |
| ۱۶۱ | ... و اینک خوان آخر! | |

درس‌های چهارم و سیزدهم کتاب درسی مربوط به ادبیات بومی است و مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.



1

CHAPTER

لطف خدا

- نیکی
- همت
- قاضی بست
- زاغ و کبک

ستایش / درس یکم: نیکی

Quiz.001

خرید آنلاین در gajmarket.com



- 1 واژه «چاشنی» به معنای ---- است.
 A طعم و مزه
 B خوراکی
- 2 واژه «حلاوت» به معنای ---- است.
 A گرما
 B شیرینی
- 3 در بیت «به نام چاشنی بخش زبانها / حلاوت سنج معنی در بیانها» مراد از ترکیب «چاشنی بخش زبان» چیست؟
 A کسی که به کلام اثربخشی می دهد.
 B طعم و مزه زبان
- 4 در بیت «به نام چاشنی بخش زبانها / حلاوت سنج معنی در بیانها» مراد از واژه «حلاوت سنج» چیست؟
 A نیروبخش
 B شیرینی سنج
- 5 واژه «نژد» به معنای ---- است.
 A خوار و زبون
 B بزرگ و کلان
- 6 با توجه به بیت «بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژد آن دل که او خواهد نژدش» مراد از عبارت «بلند بودن سر» ---- است.
 A دعا کردن
 B عزت داشتن
- 7 واژه «احسان» به معنای ---- است.
 A انسان نیک و درستکار
 B نیکی کردن
- 8 دو واژه ---- و ---- مترادف واژه «ترتیب» هستند.
 A سامان - چینش
 B صف - ردیف
- 9 در بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی موی باشد بیش و نی کم» واژه «وضع» در معنای ---- به کار رفته است.
 A حالت و چگونگی
 B موضوع
- 10 در بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی موی باشد بیش و نی کم» واژه «نی» در معنای ---- به کار رفته است.
 A یکی از آلات موسیقی
 B نه

حسن، محسن، حسین، تحسین

احسان

مرتب، رتبه، مراتب

ترتیب

اوضاع، موضع

وضع

به املای واژه‌های
 سبز رنگ دقت کن!



فصل یکم، ادبیات تعلیمی

Quiz 002

مقرون، قرینه، تقارن

قرین

B غرق شده، فرورفته

1 واژه «قرین» به معنای ----- است.

A یار، نزدیک

2 واژه «ادبار» به معنای ----- است.

A نیک بختی، روی آوردن

B نگون بختی، پشت کردن

3 واژه «اقبال» به معنای ----- است.

A نیک بختی، روی آوردن

B نگون بختی، پشت کردن

قبول، مقبول، قابل، مُقبِل، تقبُّل

اقبال

موفق، موافق، وفاق

توفیق

B سازگار گردانیدن

4 واژه «توفیق» به معنای ----- است.

A پیروز شدن

5 ----- آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد.

B توفیق

A اقبال

مدیر، تدبیر

تدبیر

B دبیری و ریاست

6 واژه «تدبیر» به معنای ----- است.

A به پایان کاری اندیشیدن

7 واژه «رای» به معنای ----- است.

A اندیشه و عقیده

B راه و روش

8 در بیت «و گر توفیق او یکسو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای» عبارت «پای یکسو نهادن» به

معنای ----- است.

B همراهی نکردن

A لجزای کردن

9 واژه «ابد» به معنای ----- است.

A زمان بی آغاز

B زمان بی پایان

10 واژه «ازل» به معنای ----- است.

A زمان بی آغاز

B زمان بی پایان

خرید آنلاین در gajmarket.com



واژگان و املاي فارسي يازدهم | Turbojet

Quiz.003

خرید آنلاین در gajmarket.com



10

1 واژه «تیره‌رایی» به معنای ---- است.

A بداندیشی و ناراستی
B بدبختی و تیره‌روزی

لطیف، لطافت، ملاحظت

لطف

2 واژه «لطف» به معنای ---- است.

A مهربانی و احسان
B زیبایی و تناسب

کامل، مکمل، تکمیل

کمال

3 واژه «کمال» به معنای ---- است.

A کامل کردن
B کامل شدن

4 در بیت «یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای / فروماند در لطف و صنع خدای» فعل «فروماند» به چه معناست؟

A به جا ماند
B متحیر شد

5 در بیت «یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای / فروماند در لطف و صنع خدای»

صنعت، مصنوع، مصنوعی، تصنع

صنع

واژه «صنع» به معنای ---- است.

A آفرینش
B کردار

6 در بیت «که چون زندگانی به سر می‌برد؟ / بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟» واژه «چون» با ----

تلفظ می‌شود و به معنای ---- است.

A مصوت کوتاه «ئ» مثل و مانند
B مصوت بلند «او» - چگونه

7 در بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ» واژه «درویش» به معنای

----- است.

A فقیر و بینوا
B عارف و سالک راه حق

8 واژه «شوریده» به معنای ---- است.

A آشفته و پریشان
B پرشور و سر حال

9 در بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ» ترکیب «شوریده‌رنگ» به

معنای ---- است.

A آشفته حال
B پرشور و سر حال

10 «شغال» پستانداری از تیره ---- و جزء رسته ---- است.

A گریه‌سانان - گیاهخواران
B سگان - گوشتخواران

1 A 2 A 3 B 4 B 5 A 6 B 7 A 8 A 9 A 10 B

- 1 واژه «غیب» به معنای ---- است.

A خدایی، از سوی خدا
B پنهان، نهان از چشم
- 2 در بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ» عبارت «در این بود» یعنی:

A در این مکان بود
B در این فکر بود
- 3 با توجه بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ» مصدر «برآمدن» به معنای ---- است.

A بالا آمدن
B پدیدار شدن
- 4 با توجه به بیت «بر آتش تو نشستیم و دود شوق برآمد / تو ساعتی ننشستی که آتشی بنشانی» مصدر «برآمدن» به معنای ---- است.

A بالا آمدن
B پدیدار شدن
- 5 با توجه به بیت «شغال نگون بخت را شیر خورد / بماند آنچه روباه از آن سیر خورد» عبارت «سیر خوردن» به معنای ---- است.

A پر شدن معده از غذا
B یکی از گیاهان پیازدار را خوردن
- 6 کدام واژه مترادف صفت «سیر» است؟

A بیزار
B گرسنه
- 7 در متن «پس‌رک وارد دگان شد و از عطار دو سیر زعفران خواست.» واژه «سیر» در معنای ---- به‌کار رفته است.

A یکی از گیاهان پیازدار
B یکی از واحدهای وزن
- 8 در بیت «شغال نگون بخت را شیر خورد / بماند آنچه روباه از آن سیر خورد» مصراع دوم یعنی: ----

A مقداری از غذایی که روباه از آن سیر خورده بود، به جا ماند.
B روباه از باقی مانده غذای شیر خورد و سیر شد.
- 9 در بیت «دگر روز باز اتفاق افتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد» واژه «قوت» به معنای ---- است.

A خوراک و رزق روزانه
B زور بازو
- 10 واژه «یقین» به معنای ---- است.

A باور
B استوار





- 1 در بیت «یقین مرد را دیده، بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد» واژه «دیده» به معنای ---- است.

A نگاه کرده است B چشم
- 2 در بیت «یقین مرد را دیده، بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد» واژه «بیننده» به معنای ---- است.

A بینا B تماشاگر
- 3 با توجه به بیت «یقین مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد» مصدر «شدن» به معنای ---- است.

A رفتن B گشتن
- 4 در بیت «یقین مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد» مصراع اول یعنی: ----.

A باور دیده‌ی مرد را بینا کرد. B باور مرد را به تماشا گذاشت.
- 5 واژه «زنخدان» به معنای ---- است.

A گونه B چانه
- 6 در بیت «زنخدان فروبرد چندی به جیب / که بخشنده، روزی فرستد ز غیب» واژه «جیب» به معنای ---- است.

A گریبان و یقه B کیسه‌ی دوخته‌شده به لباس
- 7 با توجه به بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست» عبارت «تیمار خوردن» به معنای ---- است.

A غم کسی را خوردن B آراستن
- 8 ---- نوعی ساز است با سری خمیده که تارها دارد.

A عود B چنگ
- 9 در بیت «با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست» واژه «چنگ» به ترتیب در معنای ---- و ---- به کار رفته است.

A یکی از آلات موسیقی - دست و پنجه B دست و پنجه - یکی از آلات موسیقی
- 10 با توجه به بیت «یار تو تیمار ندارد ز تو / چون تو نداری خود تیمار خویش» عبارت «تیمار داشتن» به معنای ---- است.

A مراقبت کردن B غم خوردن

فصل یکم، ادبیات تعلیمی

Quiz 006

- 1 در بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست» واژه «چنگ» در معنای ----- به کار رفته است.
 A چنگال B یکی از آلات موسیقی
- 2 واژه «محراب» به معنای ----- است.
 A جایگاه امام در مسجد B روبه رو
- 3 در بیت «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش» مراد از مصراع اول چیست؟
 A وقتی که از شدت ضعف، هوش و صبر برایش نماند.
 B زیرا از شدت ضعف و بی هوشی، صبرش تمام شد.
- 4 واژه «سَل» به معنای ----- است.
 A دست و پای ازکارافتاده B سست و بی حال
- 5 واژه «دَعْل» به معنای ----- است.
 A مکر و ناراستی B ناتوان و کم رفق
- 6 در بیت «برو شیر درنده باش، ای دَعْل / مینداز خود را چو روباه سَل» واژه «دَعْل» در معنای ----- به کار رفته است.
 A مکر و ناراستی B مگاور و حیلہ گر
- 7 در بیت «چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟» کدام است؟
 A چرا B چگونه
- 8 در بیت «چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟» واژه «وامانده» به معنای ----- است.
 A فرومانده و ناتوان B ته مانده و باقی مانده
- 9 در بیت «بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش» مصراع دوم یعنی: ---
 A تنها حاصل تلاش تو به تو تعلق دارد.
 B تلاش تو با خودت مقایسه می شود.
- 10 با توجه به بیت «بگیرای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر» عبارت «دست گرفتن» به معنای ----- است.
 A کمک و یاری رساندن B دست دادن و مصافحه کردن

ساعی

سعی





- 1 واژه «دون» به معنای ----- است.
 A صاحب، دارنده
 B پست و فرومايه
- 2 واژه «هَمَّت» به معنای ----- است.
 A اراده و عزم قوی
 B غیرت و جوانمردی
- 3 در بیت «فخری که از وسیلت دون هَمَّتی رسد / گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار» واژه «فخر» به معنای ----- است.
 A بزرگی و بالندگی
 B نازیدن
- 4 در بیت «فخری که از وسیلت دون هَمَّتی رسد / گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار» واژه «دون هَمَّتی» به معنای ----- است.
 A طبع و اندیشه پست داشتن
 B نالایق و ناسزاوار بودن
- 5 با توجه به بیت «فخری که از وسیلت دون هَمَّتی رسد / گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار» عبارت «نام و ننگ داشتن» به معنای ----- است.
 A آبرو و اعتبار داشتن
 B بی آبرویی و بی شرمی
- 6 در بیت «فخری که از وسیلت دون هَمَّتی رسد / گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار» عبارت «عار داشتن» به معنای ----- است.
 A ننگ داشتن
 B عبرت گرفتن
- 7 در بیت «گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون هَمَّتاند بی مغز و پوست» جمله «دون هَمَّتاند بی مغز و پوست» یعنی: -----
 A دون هَمَّتان نه مغز دارند و نه پوست.
 B دون هَمَّتان مغز ندارند و تنها ظاهر هستند.
- 8 در بیت «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» عبارت «نیک بیند» به معنای ----- است.
 A خیر و خوبی می بیند
 B دید مثبت دارد
- 9 در بیت «صورت بی صورت بی حد غیب / ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب» معنای واژه «تافت» چیست؟
 A تایید
 B برگشت
- 10 در متن «امیر بنافت و سوی ناحیت کشمیر لشکر کشید.» معنای واژه «تافت» چیست؟
 A تایید
 B روی برگردانید

فصل یکم، ادبیات تعلیمی

Quiz 008

- 1 در متن «دیگر روز، امیر و پسرک برای **تفرج** به بوستان رفتند.» واژه «**تفرج**» به معنای ----- است.

A سیر و تماشا B قدم زدن
- 2 در بیت «گریهٔ شام و سحر، شکر که ضایع نگشت / قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه **شد**» فعل «شد» در معنای ----- به‌کار رفته است.

A گشت B رفت
- 3 در بیت «منزل حافظ کنون بارگه پادشاست / دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه **شد**» فعل «شد» در معنای ----- به‌کار رفته است.

A گشت B رفت
- 4 در متن «شب است و نیستی / حق، حق، / ای همیشه هست / بیامرز مرا / ماه آمد روی البرز!» واژه «ماه» در معنای ----- به‌کار است.

A ماه تقویم B ماه آسمان
- 5 در بیت «به یک **ماه** بالا گرفت آن نهال / فزون زانکه دیگر درختان به سال» واژه «ماه» در معنای ----- به‌کار رفته است.

A ماه تقویم B ماه آسمان
- 6 در بیت «گفت که سرمست نه‌ای، رو که از این **دست** نه‌ای / رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم» واژه «دست» به معنای ----- است.

A یکی از اعضای بدن B نوع و قماش
- 7 در بیت «آن جام طرب‌شکار بر **دستم** نه / وان ساغر چون نگار بر دستم نه» واژه «دست» در معنای ----- به‌کار رفته است.

A یکی از اعضای بدن B نوع و قماش
- 8 با توجه به بیت «گر از **دستم** چنین کاری برآید / ز هر خاریم گلزاری برآید» عبارت «از دست برآمدن» به معنای ----- است.

A از عهده برآمدن B از دست دادن، کم کردن
- 9 در بیت «تو بهر درم **تند** و بدخو مباش / تو باید که باشی، درم، گو مباش» واژه «تند» در معنای ----- به‌کار رفته است؟

A سریع B خشمگین
- 10 در بیت «بشد **تند** افراسیاب از میان / برآویخت با لشکر تازیان» واژه «تند» در معنای ----- به‌کار رفته است.

A سریع B خشمگین

خرید آنلاین در gajmarket.com



- 1 با توجه به بیت «سحر دیدم درخت ارغوانی / کشیده سر به بام خسته جانی» صفت «خسته جان» به معنای ---- است.
- A زخمی، مجروح B غم زده، ناشاد
- 2 در بیت «به گوش ارغوان آهسته گفتم: / بهارت خوش که فکر دیگرانی» عبارت «بهارت خوش» به چه معناست؟
- A بهارت خوش است. B بهارت خوش باد.
- 3 در مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» واژه «برکت» به معنای ---- است.
- A خجستگی و مبارکی B فراوانی و بسیاری
- 4 در بیت «بدزدی ز نعمت، بدزدم ز خدمت / چه برکت بود در میان دو سارق» واژه «برکت» به معنای ---- است.
- A خجستگی و مبارکی B فراوانی و بسیاری
- 5 با توجه به متن «موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته.» عبارت «کمر بستن» به معنای ---- است.
- A مطیع فرمان کسی بودن B برای انجام کاری تصمیم جدی گرفتن
- 6 با توجه به متن «آقا، خودش شده بود کمریسته خانم و خدمتش می کرد.» عبارت «کمر بستن» به معنای ---- است.
- A مطیع فرمان کسی بودن B برای انجام کاری تصمیم جدی گرفتن
- 7 در متن «موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته.» واژه «زورمند» به معنای ---- است.
- A صاحب نفوذ، اثرگذار B صاحب قدرت، توانا
- 8 در متن «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می کشد؟» واژه «چون» در معنای ---- به کار رفته است.
- A زیرا B چگونه
- 9 در متن «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می کشد؟» واژه «گران» در معنای ---- به کار رفته است.
- A قیمت بالا B سنگین
- 10 واژه «حمیت» به معنای ---- است.
- A غیرت و جوانمردی B عزم و اراده قوی

1 B 2 B 3 B 4 A 5 B 6 A 7 B 8 B 9 B 10 A



فصل یکم، ادبیات تعلیمی

Quiz 010

- 1 در بیت «به نام چاشنی بخش زبان‌ها / **حلاوت سنج** معنی در بیان‌ها» املاى واژه «حلاوت سنج» --- است.

درست **A** نادرست **B**
- 2 در بیت «اگر لطفش **غریب** حال گردد / همه ادب‌ارها اقبال گردد» املاى واژه «غریب» ---- است.

درست **A** نادرست **B**
- 3 در بیت «**ذنخدان** فرو برد چندی به جیب / که بخشنده، روزی فرستد ز غیب» املاى واژه «ذنخدان» ---- است.

درست **A** نادرست **B**
- 4 در متن «به نیروی همت و بازوی **همیت** کشند.» املاى واژه «همیت» ---- است.

درست **A** نادرست **B**
- 5 در بیت «اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ارها **اقبال** گردد» چند غلط املايی وجود دارد؟

هیچ **A** یک **B**
- 6 در بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، **شقالی** به چنگ» چند غلط املايی وجود دارد؟

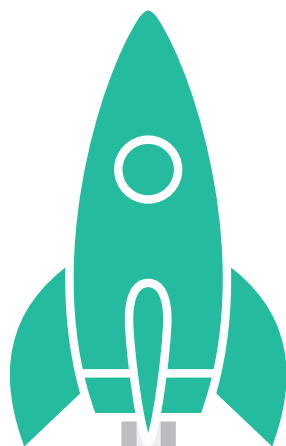
هیچ **A** یک **B**
- 7 املاى کدام واژه با توجه به معنای درج شده در مقابل آن صحیح است؟

صُنع: آفرینش **A** هلاوت: شیرینی **B**
- 8 املاى کدام واژه با توجه به معنای درج شده در مقابل آن صحیح است؟

دَقْل: مکار و حيله‌گر **A** توفیق: سازگار گردانیدن **B**
- 9 در بیت «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار ---- آمد به گوش» کدام عبارت مناسب جای خالی است؟

محرابش **A** مهرایش **B**
- 10 در بیت «فخری که از وسیلت دون همتی رسد / گر نام و ننگ داری، از آن فخر، -- دار» کدام واژه مناسب جای خالی است؟

آر **A** عار **B**



- مهماتِ املائی
- هم آوایان و متشابهان
- ... و اینک خوانِ آخر!

مهمات املاي

ص ص ص ص

صُنع
 صور و شيپور
 صعب
 صلّت
 مصطفى
 صائب
 عرصه
 القصّه
 صنّم
 صلاح
 تلخيص
 صراحت
 صباحت
 اصناف
 اختصاص
 مرصاد
 عنصر
 قرص خورشيد
 مصّم
 صفيّر
 حصار
 مخلصانه
 خصال
 رخصت
 وصي
 مُتّصّد
 استخلاص

ح ح ح ح

محض
 حامل
 حصار
 محشر
 لوح
 ترجيح
 رشحه
 مستحق
 تحليل
 محوطه
 حلول
 ضحّاک
 الحاج
 حرب
 ناحيت
 رياحين
 حبه
 مصلحت
 مناصحت
 مضحک
 مسحور
 محقّر
 مسامحه
 مفرّح
 برّ و بحر
 حماقت
 حشر
 سبحان الله
 محضر

ح ح ح ح

حلاوت سنج
 محراب
 حميت
 حشم
 محجوب
 حلال و مباح
 علي ايّ حال
 خطام
 تحفه
 احرار
 حلب
 حريف
 صلاح
 حسام
 الحان
 بحران
 مفاتيح الجنان
 حجره
 حنابسته
 صراحت
 مدح و ثنا
 صباحت
 محمل
 حضرت
 تحيّر
 استحقاق
 حاجت
 محرم



هم آویان و متشابهان

| | | |
|---|-------|-------|
| ت | تَبِع | پیروی |
| ط | طَبِع | سرشت |

| | | |
|---|-------|--------------|
| ع | عَزَل | برکنار کردن |
| آ | أَزَل | زمان بی‌آغاز |

| | | |
|---|----------|------------|
| ح | نَوَاحِي | ناحیه‌ها |
| ه | نَوَاهِي | نهی شده‌ها |

| | | |
|---|------|-------|
| س | سُور | جشن |
| ص | صُور | شیپور |

| | | |
|---|----------|---------|
| ص | إِصْرَار | پافشاری |
| س | أَسْرَار | رازها |

| | | |
|---|--------|-----------|
| ق | قِصَّة | داستان |
| غ | غُصَّة | غم‌واندوه |

| | | |
|---|--------|------------|
| ع | عَارِي | بدون، فاقد |
| آ | أَرِي | بلی، بله |

| | | |
|---|--------|--------|
| ق | فِرَاق | دوری |
| غ | فِرَاق | آسودگی |

| | | |
|---|--------|---------------|
| و | خَوِيش | خود، خویشاوند |
| ی | خِيش | گاوا آهن |

| | | |
|---|--------|------------|
| ه | هِلَال | ماه نو |
| ح | حَلَال | روا و جایز |

| | | |
|---|--------|--------|
| ز | رَازِي | اهل ری |
| ض | رَاضِي | خشنود |

| | | |
|---|------------|-------------|
| ز | گَزَارْدَن | به‌جا آوردن |
| ذ | گِذَارْدَن | قرار دادن |

| | | |
|---|--------|--------------------------------------|
| ت | حَيَات | زندگی |
| ط | حَيَاط | زمین جلوی خانه که دور آن دیوار باشد. |

| | | |
|----|-------|-------|
| غز | غَزَا | جنگ |
| غذ | غِذَا | خوراک |

| | | |
|---|--------|--------------|
| ق | قَالِب | شکل |
| غ | غَالِب | بیشتر، برنده |

| | | |
|----|-------|--------|
| غذ | غِذَا | خوراک |
| قض | قِضَا | سرنوشت |



| | | | |
|---|--------|---|------|
| غ | ناآشنا | ◀ | غریب |
| ق | نزدیک | ◀ | قریب |

| | | | |
|----|-----|---|------|
| ا | تیغ | ◀ | خار |
| وا | پست | ◀ | خوار |

| | | | |
|---|------------|---|---------|
| ه | بیهوده | ◀ | مُهْمَل |
| ح | مهد، کجاوه | ◀ | مَحْمِل |

| | | | |
|----|----------|---|--------|
| ا | بلند شدن | ◀ | خاستن |
| وا | طلب کردن | ◀ | خواستن |

| | | | |
|---|-------|---|-----|
| ح | اطراف | ◀ | حول |
| ه | ترس | ◀ | هول |

| | | | |
|---|---------|---|------|
| س | نماینده | ◀ | سفیر |
| ص | فریاد | ◀ | صفیر |

| | | | |
|---|-------------|---|-------|
| ز | صاف و گوارا | ◀ | زَلال |
| ض | گمراهی | ◀ | ضَلال |

| | | | |
|---|------------|---|------|
| ذ | هشداردهنده | ◀ | نذیر |
| ظ | مانند | ◀ | نظیر |

| | | | |
|---|---------------------------------|---|-----|
| ع | تخت پادشاهی، سایبان | ◀ | عرش |
| ا | واحد طول (از آنج تا سرانگشت) | ◀ | ارش |

| | | | |
|---|-----------|---|-----|
| ه | سهم، قسمت | ◀ | بهر |
| ح | دریا | ◀ | بحر |

| | | | |
|---|-------------|---|-------|
| ع | یاری | ◀ | معونت |
| ؤ | هزینه، سختی | ◀ | مؤونت |

| | | | |
|---|-------------|---|------|
| ث | پاداش | ◀ | ثواب |
| ص | راست و درست | ◀ | صواب |

| | | | |
|----|-----------------|---|------|
| ا | رئیس و مهتر قوم | ◀ | خان |
| وا | بساط، سفره | ◀ | خوان |

| | | | |
|---|-------------|---|-------|
| ا | غم | ◀ | آلم |
| ع | پرچم و بیرق | ◀ | عَلَم |



... و اینک خوانِ آخر!

توربوسوار عزیز! آزمون زیر شامل ۲۵ سؤال از واژگان و املای فارسی است که براساس استانداردهای کنکورهای سراسری سال‌های گذشته طراحی شده‌اند. ما انتظار داریم که در پایان این کتاب، بتوانی به همه این سؤالات به درستی پاسخ دهی؛ اما اگر پس از پاسخ‌گویی به سؤالات این آزمون، به درصدی کمتر از ۹۰ رسیدی، از توریوجت پیاده نشو! دنده عقب بگیر، برو به کوییز اول و دوباره جت‌سواری را از سر شروع کن! ... تا رسیدن به مقصد نهایی راهی نمانده است.



1 «چیرگی، هنگام، فرومایگی، مهربانی» به ترتیب معانی کدام واژه‌هاست؟

(۱) تصرّف، موسم، ملالت، رأفت

(۲) تسخیر، موعد، مذلت، رأفت

(۳) تسخیر، موعد، سبک‌سری، رفعت

(۴) تصرّف، موسم، ملال، موعد

2 معانی واژه‌های «کافی، اعطا، نهیب، هژیر» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

(۱) سزاوار، بخشش، هراس، خشمگین

(۲) دانای کار، واگذاری، فریاد، خشمگین

(۳) باکفایت، بخشش، هیبت، شیر

(۴) دانای کار، واگذاری، ترسناک، شیر

3 در کدام گزینه معنی بعضی واژگان نادرست است؟

(۱) (ستیزه‌روی: گستاخ و پررو)، (تیمار: مراقبت)، (ثقت: اطمینان)

(۲) (برزیگر: کشاورز)، (مبذل: تغییردهنده)، (هول: ترس)

(۳) (چالاک: تند و فرز)، (بور: سرخ)، (نؤند: اسب تندرو)

(۴) (فایق: برگزیده)، (غو: فریاد)، (تلبیس: دروغ)

4 معانی مقابل کدام واژه همگی درست است؟

(۱) شامت: سرکوفت، سرزنش، ملالت

(۲) پایمردی: خواهشگری، شرافت، میانجی‌گری

(۳) حضرت: آستانه، پیشگاه، درگاه

(۴) سرسام: سرگیجه، پیشانی، هذیان

